

استفاده از روبند و حاشیه‌های آن

1 اسفند 1390

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

حجاب در اسلام، همواره از موضوعات بحث‌انگیز بوده و هست. در این میان، استفاده از «روبند» یا «برقع» که توسط گروهی از زنان مسلمان استفاده می‌شود، این بحث را جنجالی‌تر از پیش کرده‌است.

استفاده از روبند یا برقع در اروپا و امریکای شمالی و کشورهای مهاجرپذیری از این دست، همیشه با جنجال همراه بوده و دولت‌های غربی، سعی در حذف آن از جامعه‌ی خود دارند، کشورهایی نظیر کانادا، بلژیک، هلند، فرانسه و غیره. جالب است که در کشورهایی مانند عربستان سعودی که استفاده از روبند، امری عادی‌ست، هر از گاه به‌گوش می‌رسد که گروهی از زنها، نسبت به داشتن این پوشش، اعتراض دارند. یا برای نمونه می‌توان اشاره کرد که دولت سوریه، با آن‌که دولتی اسلام محور است، سال گذشته میلادی، استفاده از روبند در دانشگاه‌های این کشور را ممنوع اعلام کرد و اعتراض‌های مردمی گسترده، تجدید نظر دولت سوریه در رای صادره شده را به همراه داشت.

بسیاری از افراد، روبند یا برقع را نمادی از اسلام می‌دانند. اما حقیقت امر این است که روبند، محصول دین اسلام نیست، و حتا در قرآن هم به استفاده از آن اشاره‌ی مستقیم نشده و فقط گروهی از مفسران مذهبی، از بعضی آیات، چنین برداشت می‌کنند که در قرآن به استفاده از روبند تاکید شده‌است.

با نگاهی به تاریخ استفاده از روبند، به‌نظر می‌رسد که این نوع پوشش، بیش‌تر یک پدیده‌ی فرهنگی‌ست تا مذهبی، هرچند در مذهب، نمود گسترده‌تری پیدا کرده. برای نمونه می‌توان به سنت استفاده از روبند در «هند» و «چین» باستان اشاره کرد. در هند باستان و قرن‌ها پیش از ظهور اسلام در جهان، زنان اشراف، از روبند استفاده می‌کردند و چهره‌ی خود را از مردان غریبه می‌پوشاندند. حتا امروز هم می‌توان مشاهده کرد که بعضی از زنان هندو، در مواقعی خاص، با شالی که روی شانه می‌اندازند، از مردی غریبه روی می‌گیرند.

این سنت در چین باستان هم بوده است. در این سرزمین کهن هم، تمام شاهزاده‌ها و زنان اشراف، موظف بودند که صورت خود را در برابر غریبه‌ها، چه مرد و چه زن، بپوشانند. این امر گاه چنان مهم بود که اگر فردی از تبار غیر درباری، صورت زنی از اشراف را می‌دید، ممکن بود حتی به مرگ محکوم شود.

در تاریخ اروپا هم، حجاب به شکل‌های گوناگون وجود داشته و البته پوشاندن کامل صورت توسط زن‌ها، زیاد مشهود نیست و همچنین در سنت زرتشتی هم، حجاب وجود دارد، با این تفاوت که پوشاندن صورت، زیاد مورد پسند نبوده است. پوشش صورت در امپراتوری «بیزانس»، «یونان» و «رم» هم رایج بود. در میان تمدن‌های «آشوریان»، «کلدانیان»، «سومریان»، «پاش‌ها»، «کاسی‌ها» و غیره هم، گروهی از زنان، چهره‌ی خود را در برابر مردان بیگانه می‌پوشاندند.

با نگاهی به تاریخ استفاده از روبند در جهان، می‌توان مشاهده کرد که بسیار پیش‌تر از ظهور اسلام، پوشاندن صورت در بعضی سرزمین‌ها، امری رایج بوده است. بنابراین می‌توان تا حدودی دریافت که استفاده از روبند، آنچنان رابطه‌ی تنگاتنگی با مذهب ندارد و پیش‌تر یک سنت فرهنگی‌ست که توسط مذهب، کاربردی‌تر شده است.

اما در عصر معاصر، استفاده از روبند و برقع در بعضی کشورها، به‌ویژه کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، همیشه با حرف و حدیث‌ها و معضلاتی همراه می‌شود. مهاجران مسلمانی که به استفاده از روبند مقید هستند، اصل آزادی و دموکراسی را به‌میان می‌کشند و در مقابل، دولت‌ها و گروه مخالفان، بر این اصل پافشاری می‌کنند که روبند، امنیت جامعه را دچار خلل می‌کند.

برای مثال به‌وضوح می‌توان دید که بنابر قانون بسیاری از کشورهای غربی، هیچ‌کس اجازه ندارد با کاسکت یا کلاه موتور سواری، به بانک وارد شود و حتمن باید پیش از ورود به آنجا، کلاه را از سر بردارد تا هویت‌اش مشخص شود. مخالفان استفاده از روبند، همچنین بر این امر تاکید می‌کنند که این پوشش سراسری، سبب می‌شود تا هویت فرد مذکور، به هیچ عنوان قابل شناسایی نباشد، به‌گونه‌ای که چه بسا یک مرد، با چنین حجابی در جامعه ظاهر شود و هیچ‌کس به آن پی نبرد. لازم به‌ذکر است که در این میان، کشیدن کارت‌های تمسخرآمیز و حتی تصاویر و عکس‌هایی که به انتقاد تند از روبند زدن اشاره می‌کند هم گاه دیده می‌شود.

این نکته نیز قابل توجه است که بعد از حادثه‌ی یازدهم سپتامبر، نگاه غرب به دین اسلام و سنت‌های آن، به نگاهی بسیار بدبینانه‌تر از پیش بدل شد. «اسلام‌هراسی»، اصطلاحی‌ست که پس از آن حادثه‌ی تروریستی، به کرات از سوی غرب به‌گوش می‌رسد.

موافق‌های استفاده از روبند نیز از سوی دیگر، اعلام می‌دارند که هر کس باید در نوع پوشش خود آزاد باشد و باید بتواند با باورها، عقاید و تفکرات مذهبی خود زندگی کند.

البته ذکر این نکته نیز لازم می‌نماید که باید توجه داشت، زن‌های روبنده‌پوشی که به غرب مهاجرت می‌کنند و یا از فرزندان مهاجران به غرب هستند، باید تا حدودی بپذیرند سرزمینی که به آن وارد شده‌اند، قوانین خاص خود را داشته و باید پذیرفت که با خاک مادری فرد، تفاوت بسیار دارد و نمی‌توان آن را به مدینه‌ی فاضله‌ی ذهنی خود تبدیل کرد.

در هر حال هنوز هم این پدیده‌ی اجتماعی، مخالف‌ها و موافق‌های سرسختی دارد که بر سر یک سنت نه چندان ریشه‌دار مذهبی، نزاع می‌کنند.
